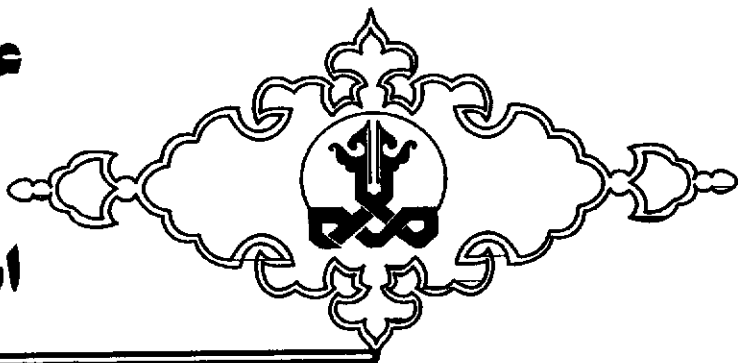


# عوامل مؤثر در معانی بلاغی استفهام و بلاغت اسالیب استفهام در آیات قرآن کریم



دکتر سوسن طباطبایی - مدرّس

حقیقی است که سؤال کننده نسبت به مورد سؤال هیچ‌گونه آگاهی نداشته باشد. با توجه به اینکه سؤال کننده، پروردگار حکیم علی الاطلاق است، غرض او از استفهام، آگاهی یافتن نسبت به مجهول نیست؛ بلکه به دلیل و اغراض بلاغی خاصی، کلام خویش را به استفهام آراسته است که در هر یک از این استفهامات راز و رمز و حکمتی نهفته است، چنانکه مفسران و دانشمندان علوم بلاغت درباره استفهامات قرآنی نظرات مختلفی داده‌اند. عده‌ای قائلند که استفهام حقیقی در قرآن وجود ندارد و همه استفهامات قرآن دارای معنی مجازی‌اند.<sup>۱</sup>

سبکی<sup>۲</sup> معتقد است که گاهی اوقات سؤال کننده عالم است و هدف او از سؤال، فهماندن مطلب به دیگر افرادی است که نسبت به آن، علم ندارند.

(۱) الدمامینی، بدرالدین، تحفة الغریب علی مغنی اللیب، ج ۱، ص ۲۱  
(۲) عروس الافراح من شروح التلخیص، بهاء‌الدین السبکی، ص ۳۰۷

سیاق کلام، کیفیت و شأن نزول آیه و کیفیت قرائت و وقف توجه کرد؛ در غیر این صورت نمی‌توان معنی دقیقی از آیات بدست آورد.

کلیدواژه‌ها:  
اسلوب، استفهام، معانی بلاغی، قرآن کریم، انفعالات درونی انسان، توییح

فهم کامل قرآن میسر نمی‌باشد  
مگر به واسطه «من خوطب به» و  
ضروری است که قرآن صامت را  
قرآن ناطق همراهی کند.

روش پرسش از مخاطب و پاسخ درونی و وجدان او در تعلیم و تربیت، بسیار مؤثر و خصوصاً در مورد افراد جاهل و لجوج بسیار راه‌گشاست. استفهام در آیات قرآن کریم - در بیش از هزار آیه - به دو صورت حقیقی و غیر حقیقی بکار رفته است؛ همانطور که توجه دارید معنای حقیقی استفهام، طلب علم نسبت به مجهول است و استفهام در صورتی

چکیده:

قرآن کتاب الهی و معجزه جاودانه آخرین پیام‌آور الهی و عصاره همه کتب آسمانی است؛ یگانه کتابی که می‌تواند همه خواسته‌های جوامع بشری را در همه ابعاد وجودی به بهترین شکل برآورده سازد و انسان را به سوی

عالیترین مراتب رشد و کمال رهنمون شود و برای نیل به این امور مهم برترین و زیباترین روش‌های حکیمانه را به کار برده است. از جمله این روش‌ها زیست کلام با پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که آدمی را

بطور غیر مستقیم در جهت برنامه‌های انسان‌ساز سوق می‌دهد. بیش از هزار آیه از آیات قرآنی دارای استفهام است، با توجه به اینکه سؤال کننده، پروردگار حکیم است، غرض او از استفهام آگاهی یافتن نسبت به مجهول نیست؛ بلکه در این استفهامات راز و رمز و حکمتی نهفته است که برای فهم آن باید به گوینده، مخاطب، قرینه‌های لفظی و معنوی،

شود، استفهام به معنی تمنی یا مبالغه در تقاضا است.<sup>۱۴</sup> کسائی آیه را به صورت «هل تستطيع ربك» خوانده است.<sup>۱۵</sup> که معنی آن می‌شود: «آیا می‌توانی از پروردگارت سؤال کنی؟» که در این صورت، استفهام حقیقی است.

### (و) تغییر در مکان وقف

در آیه: «يسئلونك عن الساعة أيان مرساها فيم أنت من ذكراها»<sup>۱۶</sup> اگر وقف

(۱) اسالیب الاستفهام في القرآن، فوده السيد عبدالعظيم، ص ۱۹۲

(۲) همان منبع

(۳) صافات، ۵۸ و ۵۹

(۴) البحر المحيط، أنسیر الدین محمدین یوسف

أبوحيان، ج ۷، ص ۳۶۲

(۵) توبه، ۶۳

(۶) علق، ۱۴

(۷) صف، ۲

(۸) البحر المحيط، ج ۱۰، ص ۲۶۱

(۹) همان منبع، ج ۱۱، ص ۲۷۱

(۱۰) بقره، ۲۴۳

(۱۱) ق، ۳۶

(۱۲) البحر المحيط، پیشین، ج ۸، ص ۱۲۹

(۱۳) مائده، ۱۱۲

(۱۴) الكشف عن حقائق غوامض التنزيل،

محمودین عمر الزمخشري، البنان، دارالکتب

العلمية، ۱۴۱۵ هـ، الطبعة الاولى، ج ۱، ص ۶۹۱

(۱۵) اتحاف فسلاء البشر بالقراءات الأربع العشر،

احمد الذمیاطی، القاهرة، عبدالحمید، ۱۳۵۹ هـ

ص ۲۰۴

(۱۶) نازعات، ۴۲ و ۴۳

ما لا تُفعلون»<sup>۱۷</sup> اگر مقصود آیه، اهل ایمان باشد، عتابی همراه با نرمش است؛ و اگر مقصود منافقان باشد که فقط با زبان، ایمان را پذیرا شده‌اند، با تهکم و استهزاء، آنان را به مؤمنان توصیف کرده است، معنای استفهام را می‌توان توبیخ و انکار و تهکم دانست.<sup>۱۸</sup>

### (ج) اختلاف حالت مخاطبان

أبوحيان<sup>۹</sup> در آیه: «ألم تر إلى الذين خَرَجُوا مِن ديارهم و هم ألوْف حذر الموت»<sup>۱۹</sup> استفهام را به معنی تقریر می‌داند، این در حالتی است که مخاطب قبل از نزول آیه، این داستان را می‌دانسته و اگر این داستان را نمی‌دانسته است، معنی تنبیه تعجب دارد.

### (د) اختلاف در مقدر

این در صورتی است که در عبارت استفهام، حذفی صورت گرفته باشد، مانند: «وكم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً فنسبوا في البلاد هل من محيٍ»<sup>۱۱</sup> نظر أبوحيان<sup>۱۲</sup> این است که اگر قبل از «هل» فعل «يقولون» را در تقدیر بگیریم، استفهام معنی تمنی دارد، و اگر فعل «يقولون» را در تقدیر نگیریم، استفهام به معنی نفی و تقریر است.

### (ه) اختلاف در قرائت

به عنوان مثال در آیه: «إذ قال الحواريون يا عيسى بن مريم هل يستطيع ربك أن ينزل علينا مائدة من السماء»<sup>۱۳</sup> در صورتی که آیه به صورت فوق قرائت

شمانینی<sup>۱</sup> ذکر کرده است که استفهام حقیقی از جانب حق تعالی صورت نمی‌گیرد ولی جایز است که تقریر، توبیخ و سرزنش کند. عبدالعظیم فوده<sup>۲</sup> می‌گوید از مجموع استفهامات قرآنی (۱۲۶۰ مورد) فقط نوزده مورد استفهام حقیقی دیده می‌شود و در بقیه موارد، استفهام بصورت حقیقی نیست.

برای فهم معانی بلاغی استفهام در آیات قرآنی، عوامل مختلفی را باید در نظر گرفت که بدون توجه به آنها معنای دقیقی از آیات بدست نمی‌آید. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

### (الف) اختلاف در گوینده

«أفما نحن بميتين. إلا موتتنا الاولى و ما نحن بمعدئين»<sup>۳</sup>

أبوحيان<sup>۴</sup> معتقد است که اگر آیه از قول قرینی به قرینش باشد با در نظر گرفتن آیه قبل، معنای استفهام، «توبیخ» است و اگر آیه از قول مؤمنان در بهشت باشد، به معنی تقریر و تحقیق است.

### (ب) اختلاف در مخاطبان

چنانکه در آیه: «ألم يعلموا أنه من يُحادي الله و رسوله فأن له ناز جهنم»<sup>۵</sup> و در آیه: «ألم يعلم بأن الله يرى»<sup>۶</sup>

زمخشري و سبکی استفهام را به معنی تقریر می‌دانند. این در صورتی است که مخاطب ما پیامبر یا یکی از مؤمنان باشد؛ اگر مخاطب، کافر انکارکننده باشد، استفهام به معنی توبیخ است.

یا در آیه: «يا أيها الذين آمنوا لم تقولون

استفهام و بعد از آن واقع شده است، که روشن کننده معنی استفهام می باشد، چنانکه در آیه «بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ. إِذَا مَتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا؟ ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ<sup>۱</sup>» عبارت «هذا شیء عجیب» روشن کننده معنی تعجیبی است که استفهام بعدش دلالت بر آن دارد. و همچنین عبارت «ذلك رجوع بعید» معنای استبعادی را که استفهام قبل از آن در بردارد، واضح می کند.

به هر حال اسلوب استفهام در بیان عواطف و حالات و انفعالات درونی انسان، و رساندن معنای بسیار با لفظی اندک و دعوت مخاطب به راه صحیح با لطیف ترین حالت، از سایر اسالیب انشا قویتر می باشد؛ چنانکه گفته شده:

«انَّ لِلْكَلامِ قِمةً عَلِیاً فی البلاغة و تكون اسلوب الاستفهام محتلاً أعلى مكانٍ فی تلك القِمة»<sup>۹</sup>

در اسلوب استفهام متکلم ارتباطش را با مخاطب حفظ می کند و هر دو در مقابل

می شود. ۲- گاهی ذکر جمله و یا عبارتی بعد از جمله استفهام، معنی جمله استفهامی را روشن می سازد؛ چنانکه در آیه «قالت یا ویلتا أَلِدُ و أنا عَجُوزٌ و هذا بعلی شیخاً؟ إِنَّ هَذَا لَشِیءٌ عَجِیبٌ<sup>۴</sup>» جمله «انَّ هذا لشیء عجیب» معنای تعجب را که به وسیله استفهام در جمله قبل آمده است، واضح می سازد؛ همینطور در آیه «أجعل الالهة الها واحداً؟ انَّ هذا لشیءٌ عَجابٌ<sup>۵</sup>»

به هر حال اسلوب استفهام در بیان عواطف و حالات و انفعالات درونی انسان، و رساندن معنای بسیار با لفظی اندک و دعوت مخاطب به راه صحیح با لطیف ترین حالت، از سایر اسالیب انشا قویتر می باشد.

و در آیه «أفمن كان مؤمناً کمن كان فاسقاً؟ لا یستون<sup>۶</sup>»

جمله «لا یستون» نفی مشابهتی را که استفهام به واسطه همزه در بردارد، بیشتر مشخص می کند. و در آیه «أیعدکم انکم اذا متُّم و کنتم تراباً و عظاماً انکم مخرجون؟ هیهات هیهات لما توعدون<sup>۷</sup>» عبارت «هیّهات» معنی استبعادی را که به واسطه استفهام در جمله قبل وجود دارد، روشن می سازد.

۳- گاهی عبارت یا جمله ای قبل از

بر روی کلمه «مُرساها» باشد یعنی «فیم» به جمله بعدش وصل شود، استفهام به معنی نفی است؛ یعنی «لست من ذکرها فی شیء». و اگر روی کلمه «فیم» وقف شود به معنی «فیم سؤالهم» است که در این صورت استفهام به معنی انکار و توییح است؛ و جمله «أنت من ذکرها» جمله مستأنفه می باشد که معنی خبری می دهد.<sup>۱</sup>

خلاصه کلام این است که مهم ترین

عوامل در اغراض بلاغی استفهام، همان وجود قرینه های مختلف و سیاق کلام است؛ لذا ما اغراض استفهام را بخوبی نمی توانیم روشن کنیم مگر اینکه «قائل» و «مقول له» و حالات حاکم بر آنها را بدقت بررسی و قرینه های لفظی و معنوی موجود که در کلام را شناسایی کنیم. نقش این قرینه ها در رساندن و فهم معانی استفهام گاهی پیشتر از

خود ادوات استفهام است؛ به مواردی چند از این قرینه ها اشاره می کنیم:

۱- گاهی در جمله استفهامی کلمه ای وجود دارد، که راهنمای ما به سوی معنی استفهام می شود. در آیه: «أهذا الذی یذکر آلہتکم<sup>۲</sup>» معنای «تحقیری» که از اسم اشاره به دست می آید، بیشتر از دلالت همزه بر آن است و در آیه: «کیف تکفرون باللّه و کنتم أمواتاً فاحیاکم<sup>۳</sup>» معنای انکار و تعجب و توییح از جمله حالیه «وکنتم أمواتاً» استنباط

(۱) اسالیب الاستفهام فی القرآن، ص ۲۵۱

(۲) انبیاء، ۳۶

(۳) بقره، ۲۸

(۴) هود، ۷۲

(۵) ص، ۵

(۶) سجده، ۱۸

(۷) مؤمنون، ۳۴ و ۳۵

(۸) ف، ۲ و ۳

(۹) اسالیب الاستفهام فی القرآن، ص ۲۹۳

اینکه با سؤال کننده در آنچه که او احساس می‌کند مشارکت جوید و برانگیزنده عواطف و حالات درونی انسان است. توجه به گوینده، مخاطب، قرینه‌های لفظی و معنوی، سیاق کلام، کیفیت نزول آیه و شأن نزول آن، کیفیت قرائت و وقف و غیره برای فهم معانی استفهام در آیات قرآنی بسیار ضروری است. از این روست که علمای تفسیر و بلاغت، در فهم معانی آیات اختلاف بسیار دارند. و همه اینها خود دلیل محکمی است که فهم کامل قرآن میسر نمی‌باشد مگر به واسطه «من خوطب به» و ضروری است که قرآن صامت را قرآن ناطق همراهی کند، چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: «فَاتَّهَمَا لَنْ يَفْتَرَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْحَوْضِ».

(۱) زمر، ۳۶

(۲) مائده، ۹۱

می‌گوید که ذکر استفهام به دنبال معایب، در رساندن مقصود، از امر صریح، گویاتر است. در این آیه بعد از ذکر معایب شراب و قمار این جمله استفهامی می‌آید. آمدن «هل» بر سر جمله اسمیه‌ای که خبر مفرد دارد، دلالت بیشتری بر طلب می‌کند؛ چنانکه ذکر شده است عبارت «فهل أنتم شاکرون» در رساندن طلب شکر، گویاتر از دو عبارت «فهل أنتم تشکرون؟» یا «فهل تشکرون» می‌باشد؛ زیرا «همزه» جایز است بر سر جمله اسمیه و فعلیه بیاید؛ درحالیکه «هل» اختصاص به «فعل» دارد و آمدنش بر سر جمله اسمیه، طلب را تقویت کرده است. دلالت اسالیب استفهام بر نفی، نسبت به نفی صریح مزیت بیشتری دارد. تمنی به واسطه «هل» نیز نسبت به تمنی صریح، از مزیت بیشتری برخوردار است.

خلاصه اینکه اسلوب استفهام برانگیزنده عواطف و حالات درونی مخاطب است و او را فرا می‌خواند به

این استفهام دارای نقش و مسؤولیتی می‌باشند و با توجه به اینکه حالات نفسانی و غرایز و انگیزه‌های انسانی بسیار زیاد است، اسلوبی که بتواند بیانگر این غرایز و حالات درونی باشد و مجال بر آن تنگ نیاید، اسلوب استفهام است. به هر حال جملات استفهامی مزایایی خاص در دلالت بر معانی بلاغی دارند که به مواردی از آن اشاره می‌شود؛ به عنوان مثال:

جملاتی که استفهام در آن معنی «تقریر» می‌دهد از جملات مثبت، بلیغ‌تر و در رساندن مقصود، گویاتر است؛ چنانکه در مورد آیه «أليس الله بكافٍ عبده»<sup>۱</sup> ذکر شده که حد کفایت به میزانی از ظهور و تحقق رسیده است که احدی را یاری ردّ این مطلب نیست. یا در ارتباط با آیه «فهل أنتم منتهون»<sup>۲</sup>

معنای امر توسط «هل» و جمله استفهامیه بعد از آن، از امر صریح، بلیغ‌تر است. ابوالبقاء در ارتباط با این آیه

### منابع

- اسالیب الاستفهام فی القرآن: فوده السيد عبدالعظيم، القاهرة، نشر الرسائل الجامعية، ۱۳۷۲ هـ
- البحر المحيط: أثير الدين محمد بن يوسف ابوحبان، القاهرة، مطبعة السعادة، سنة ۱۳۲۸ هـ جلد ۷
- الدماميني: بدرالدين، تحفة الغريب على مغنى اللبيب، البهية المصرية، سنة ۱۳۰۴ هـ، جلد ۱
- عروس الافراح من شروح التلخيص: بهاء الدين السبكي، القاهرة، سنة ۱۳۴۲ هـ الطبعة الثانية
- الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل: محمود بن عمر الزمخشري، اللبنا، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ هـ الطبعة الاولى،